



سومین همایش ملی

# بانو کهنه راه اسلام

بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



## بررسی و تبیین نقش اقتصادی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در جامعه مسلمین

علی کریم پور<sup>۱</sup>

## چکیده

مقاله پیش رو پس از مفهوم‌شناسی واژه‌های «اقتصاد» و «جامعه» و همچنین تقسیم جامعه به جامعه مسلمین و جامعه عام، به بررسی جنبه‌های اقتصادی شخصیت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پرداخته است. گردآوری داده‌ها در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای بوده و متون دینی به شیوه استنباط اصولی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. هر کدام از جنبه‌های اقتصادی آن حضرت به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت و مواردی ذکر شد که نمونه‌ای از نقش‌آفرینی اقتصادی آن بانو در جامعه مسلمین بوده است. در پایان این نتیجه به دست آمد که حضرت خدیجه به عنوان رکن اساسی بخش اقتصادی دین اسلام ظاهر شده است. همچنین نقشی که توسط ایشان در جامعه مسلمین صورت گرفته، علیت این بانو در پیشرفت دین اسلام از جنبه مالی بوده است.

واژگان کلیدی: حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، اقتصاد، تجارت، اسلام، جامعه مسلمین.

## مقدمه

همواره در طول تاریخ بشریت این بحث مطرح بوده که آیا زنان می‌توانند همانند مردان در جامعه نقش‌های موثری در تعیین و پیشبرد مسائل اقتصادی داشته باشند یا خیر؟ برخی بر این باورند که زنان در فعالیت‌های اقتصادی محدودند و همانند مردان نمی‌توانند نقش آفرینی کنند و باید دایره فعالیت آنان را در این باره محدود کرد. چنین باورهایی در جوامع مختلف و در هر دوره و عصری مشاهده شده است. به‌عنوان مثال در فرهنگ جاهلی قبل از طلوع اسلام، نه تنها مردان برای زنان در عرصه‌های اقتصادی نقشی قائل نبودند بلکه در سایر مسائل زندگی نیز به آنان به‌عنوان موجوداتی پست و حقیر نگاه می‌کردند. (ر.ک: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸، ۱۶۳، ۳). یا در جوامع امروزی دیده می‌شود که از زنان به‌عنوان ابزاری برای اهداف اقتصادی و سودهای کلان استفاده می‌کنند و آنان به‌عنوان نقش آفرین در مسائل جامعه و اقتصاد حضور ندارند. (ر.ک: طاهرزاده، ۱۳۹۲، صص ۷۶-۷۵).

اما در نگاه اسلام اشتغال و اقتصاد زنان به‌عنوان یک حق به رسمیت شناخته شده است و در کنار آن، به حیثیت و شخصیت زنان نیز توجه شده است. در حالی که در نگاه غرب، پس از انقلاب صنعتی، اشتغال زنان به شکل گسترده شکل گرفت اما نه به علت مشارکت آنان به همراه حفظ شخصیت، بلکه به سبب نیاز شدید جوامع بشری به نیروی کار ارزان. (ر.ک: صداقت، ۱۳۸۶، ۱۱۸، ۹). در مقاله حاضر نقش موثر یکی از زنان عصر اسلام (حضرت خدیجه سلام الله علیها)، به‌عنوان بانوی ثروتمند در اقتصاد جامعه مسلمین را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم تا چگونگی نقش آفرینی ایشان در مسائل اقتصادی و تأثیر عملکرد آن بانوی بزرگ، در حل مشکلات اقتصادی مسلمین برای خواننده گرامی روشن گردد.

## مفهوم‌شناسی

در تحقیق پیش رو به مفاهیمی همانند اقتصاد، تجارت، جامعه، جامعه مسلمین بر می‌خوریم. اکنون به تعریف این اصطلاحات در این مجال می‌پردازیم.

## ۱. تعریف اقتصاد

واژه اقتصاد در لغت گاه به معنای میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر فعالیتی آمده است و در قرآن کریم نیز به همین معنا به کار گرفته شده است. همانند توصیه لقمان به فرزند خود در آیه مبارکه (واقصد فی مشیک). (لقمان، ۱۹). و گاه به معنای راست و مستقیم است. طریق قصد یعنی راه مستقیم. (ر.ک: پژوهشکده

تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۶، ۱۱) و (موسسه فرهنگی هنری جام طهور، ۱۳۹۵، ۱۱۱۱۸). در اصطلاح تعاریف گوناگونی برای آن ذکر شده است. از جمله:

«اقتصاد علمی است که موضوع آن بررسی روش‌های تخصیص منابع و عوامل محدود (زمین، کار، سرمایه) برای تولید منابع و محصولات، به منظور ارضای نیازمندی‌ها، همچنین ترتیب توزیع و مصرف آنهاست.» (همان، ۱۳۹۵، ۱۱۱۱۸).

اقتصاد «بررسی، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی که بشر برای استفاده از منابع به منظور تولید کالاها و خدمات و توزیع آن‌ها جهت مصرف به کار می‌گیرد». (پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۶، ۱۱). اگرچه تعاریفات ارائه شده توسط محققان به لحاظ لفظی تفاوت دارد اما با اندک دقتی آشکار می‌شود که مقصود، یکی است و روش ارائه آن متفاوت است و می‌توان اقتصاد را در یک جمله، همان ارزیابی و انتخاب روش‌هایی برای تولید کالا و توزیع آن جهت مصرف در نظر گرفت. درباره اهمیت اقتصاد نیز آمده است:

«اگرچه این مطلب که بعضی ادعا کرده اند و گفته اند: اقتصاد به طور کلی، سرچشمه همه امور اجتماعی و حتی زیر بنای مسائل سیاسی، علمی، اخلاقی و اعتقادی فرد و اجتماع است صحت ندارد، اما تأثیر عمیق و اساسی آن را در ایجاد بسیاری از رسوم، آداب، فرهنگ، اخلاق و جریان‌های روز مره زندگی افراد و ملت‌ها نمی‌توان انکار کرد. اقتصاد از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا استقبال جامعه و قدرت مقاومت آن در مقابل حوادث طبیعی و اجتماعی، همچنین شکوه و عظمت یک جامعه در مقابل جوامع دیگر و ثبات سیاسی آن، بستگی به حل مشکلات و رفع کمبودهای اقتصادی آن جامعه دارد.» (همان، ۱۳۷۶، ۱۲).

## ۲. تعریف تجارت:

در این باره می‌توان گفت: «تجارت از ریشه تجر و در لغت به معنای خرید و فروش، داد و ستد و معامله کردن است.» (مهدوی دامغانی، ۱۳۹۴، ۳۲۱). یا می‌توان گفت: «واژه بازرگانی یا تجارت در لغت به معنای به کارگیری سرمایه برای دستیابی به سود می‌باشد.» (مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱، ۲۸۵).

درباره معنای عام تجارت آمده است: «تجارت یک معنای عام و مطلق دارد که هر گونه معامله و کسب و کار که به هدف تحصیل روزی انجام گیرد، شامل می‌شود مانند: خرید و فروش، اجاره، جعاله، مساقات، مزارعه، و وکالت و امور دیگر را نیز در بر می‌گیرد. یکی از مصادیق مهم تجارت، بیع است که آن خرید و فروش و مبادله مال با مال می‌باشد.» (مهدوی دامغانی، ۱۳۹۴، ۳۲۵).

چون تجارت همیشه مستلزم نوعی سود یا زیان می‌باشد، از این رو در منابع دینی نیز به اعمال شایسته و یا ناشایست تجارت اطلاق می‌شود. زیرا اعمال ما انسان‌ها نوعی تجارت و داد و ستد است و هر گونه که رفتار کنیم در آخرت نتیجه آن را برداشت خواهیم کرد. (ر.ک: همان، ۱۳۹۴، ۳۲۵). و (بحرانی، ۱۳۷۵، ۵، ۵۰۹).

به طور کلی تجارت نوعی داد و ستد می‌باشد که گاه مستلزم سود و گاه مستلزم ضرر و زیان است اما همیشه قصد تاجر از آن کسب سود اسب هرچند گاهی به سبب عواملی منجر به زیان گردد. طبق تعریفی که از اقتصاد و تجارت گذشت می‌توان گفت در بخش اتخاذ روش (که بخشی از اقتصاد بود) این دو می‌توانند مولد یک دیگر باشند (نوعی وابستگی). به‌عنوان مثال کشاورزی یک روش و کاری برای تولید محصول است اما تا وقتی این محصول پدید نیاید تجارت (معامله) محصولات کشاورزی نیز صورت نخواهد گرفت. و از طرفی در همان اتخاذ روش (کشاورزی) تا زمانی که تجارتي صورت نگیرد و زمین یا دانه‌ای خریداری نگردد، کشاورزی محقق نخواهد شد و به نوعی می‌توان گفت وابسته به هم هستند نه اینکه علت ایجاد یک دیگر باشند تا اشکال دور مطرح گردد. اما در بخش توزیع کالا جهت مصرف (که بخش دیگری از تعریف اقتصاد بود)، یکی از قالب‌های این توزیع همان معامله یا تجارت است. طبق این نگاه تجارت یکی اجزاء اقتصاد محسوب خواهد شد.

### ۳. تعریف جامعه:

در این جا قبل از بحث در مورد واژه جامعه به واژه اجتماع می‌پردازیم. در تعریف اجتماع آمده است: «به مجموعه‌ای از افراد که دارای علقه اجتماعی مشترک و تعهدات مشترک و به نسبت پایدار، همراه با تعاملاتی گرم باشند اجتماع گفته می‌شود.» (جوان، ۱۳۸۳، ۱۰). برخی جامعه شناسان اجتماعات را به چهار نوع اصلی تقسیم کرده اند: اجتماع اقتصادی، اخلاقی، طبیعی (مانند خانواده) و سیاسی. افزون بر این چهار نوع اجتماع اصلی، می‌توان از یک اجتماع تلفیقی و ترکیبی در سطح جامعه نام برد که پارسونز آن را (اجتماع جامعه ای) یا اجتماع عام می‌نامد. این اجتماع، اجتماعی تعمیم یافته است که در نتیجه نفوذ متقابل چهار نوع اجتماع یاد شده، در سطح کلان می‌تواند به وجود بیاید. (ر.ک: همان، ۱۳۸۳، ۱۰). طبق این بیان جامعه نوعی تلفیق و تشکیل یافته از اقسام چهار گانه اجتماع می‌باشد.

برای جامعه تعاریف گوناگونی ذکر شده و درباره آن گفته شده است که: «تبیین حقیقت جامعه و حد و حدود دقیق آن، کار ساده‌ای نیست و به بررسی زیادی نیاز دارد. اما از باب تعریف لفظی می‌توان گفت: «جامعه مجموعه‌ای بزرگ و خود بسنده از افراد انسان است که روابط گوناگون مشترک و متقابل و به نسبت پایداری آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد.» (همان، ۱۳۸۳، ۱۱).



گفته می‌شود که واژه جامعه با همین قالب و ساختار امروزی در قرآن کریم نیامده است و این واژه به صورتی گسترده در خطابه‌های زبانی و همگانی عصر نزول قرآن به کار نرفته است و امری است که به تازگی وارد زبان عربی شده است. قرآن کریم با واژه‌های دیگری مفهوم جامعه را بیان کرده است که از لحاظ معنای کلی به معنای (جامعه) نزدیک است. برخی از این واژه‌ها عبارتند از:

- واژه جمع: این واژه از لحاظ ماده و اشتقاق لغوی به واژه جامعه نزدیک تر است همانگونه که از لحاظ معنا نیز چنین است. قرآن کریم این واژه را در مقام بیان جماعت و جامعه در چند آیه به کار برده است؛ از جمله در آیه (انّ الذین تولّوا منکم یوم التقی الجمعان انّما استزلّهم الشیطان). (آل عمران، ۱۵۵). در این آیه خداوند از دو گروهی که نمایندگان دو جامعه متخاصم و در حال جنگ بودند یعنی جامعه مسلمانان و جامعه مشرکان به (جمعان) تعبیر کرده است.

- واژه قوم: این واژه از پدیده‌ترین واژه‌هایی است که در قرآن برای باز گویی جامعه به کار رفته است. (و ما ارسلنا بر رسول إلا بلسان قومه). (ابراهیم، ۴). و موارد دیگری از این قبیل. (ر.ک: حکیم، ۱۳۸۷، ۹۳).

در مورد عناصر جامعه نیز باید گفت که تمام جوامع بشری در سه عنصر اساسی با یک دیگر مشترکند: انسانی که جانشین خدا در زمین است و محور اساسی و مهم ترین عنصر محسوب می‌شود. مورد دوم، کره خاکی و عواملی که آن را در بر گرفته است. مورد سوم، رابطه موجود میان انسان با انسان و انسان با طبیعت. اما عنصر چهارمی وجود دارد که باعث تمایز جوامع از یک دیگر می‌گردد و آن نظام اجتماعی حاکم بر این جوامع است. (ر.ک: همان: ۱۳۸۷، ۱۰۲-۱۰۸).

با توجه به تعریفی که از جامعه گذشت و عناصر تشکیل دهنده آن، و همچنین تعبیری که در قرآن کریم بیان شده و حکایت از تقابل دو جامعه مسلمانان و مشرکان داشت، این مطلب ظاهر می‌گردد که می‌توان با در نظر گرفتن هر معیاری جامعه را کوچک یا بزرگ در نظر گرفت. اگر فقط سه عنصر انسان و طبیعت و رابطه موجود میان آن‌ها را در نظر بگیریم، با قطع نظر از نظام حاکم بر آنان، می‌توان گفت یک جامعه جهانی متشکل از میلیاردها انسان در سطح جهان داریم و اگر عنصر نظام حاکم بر آنان را در نظر بگیریم در این صورت جوامع گوناگون و مختلف پدید می‌آید. تحقیق پیش رو با در نظر گرفتن عنصر چهارم، در نظر دارد نقش اقتصادی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در جامعه مسلمانان را مورد بررسی قرار دهد، هر چند که می‌توان در تحقیقی مجزا نقش آن حضرت در جامعه به معنای عام را نیز مورد تبیین و بررسی قرار داد.

## معرفی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

حضرت خدیجه فرزند مردی به نام خویلد ابن اسد ابن عبد العزیٰ ابن قصی ابن کلاب ایرانی است. پدر بزرگوار او از بزرگان قبیله قریش بود. مادر او زنی فاضله به نام فاطمه دختر زائده ابن الاصم ابن هرم ابن رواحه ابن حجر ابن عبد ابن معیص ابن عامر ابن لؤی است. (ر.ک: شریف قرشی، ۱۳۹۵، ۱۶). نسل حضرت، به ابراهیم خلیل بر می‌گردد و به نوعی دختر عموی پیامبر اکرم محسوب می‌شود. (ر.ک: خدامیان آرانی، ۱۳۹۶، ۱۵۸). در مورد تاریخ ولادت آن حضرت برخی می‌گویند سه سال قبل از عام الفیل به دنیا آمده است. (ر.ک: همان، ۱۳۹۵، ۱۷) و برخی می‌گویند او پانزده سال قبل از رویداد تاریخی هجوم ابرهه به مکه (عام الفیل) به دنیا آمده است. (ر.ک: مدرسی، ۱۳۸۹، ۱۱). در هر صورت آنچه مشخص است این است که او از همسر گرامی خود پیامبر اکرم، بزرگ تر است و اگر ولادت حضرت خدیجه را همان پانزده سال قبل از عام الفیل در نظر بگیریم، ایشان پانزده سال از پیامبر اکرم بزرگ تر خواهند بود. چرا که ولادت پیامبر اکرم در سال عام الفیل رخ داده است. (ر.ک: همان، ۱۳۸۹، ۱۱).

در مورد خصوصیات اخلاقی این بانوی بزرگوار بیانات بسیاری وارد شده است. از جمله:

۱. اندیشه‌ای نو و متفاوت: «حضرت خدیجه اندیشه‌ای بسیار متفاوت از اندیشه و بینش و روش رایج مردم زمانه و روند جامعه و روزگارش داشت و در حقیقت سالار نو اندیشان و سرور خردمندان و آموزگار خوبان و در اندیشه جامعه و جهانی نو و در خور شأن بشر و مساعد برای رشد و رستگاری او بود. (ر.ک: ویسی، ۱۳۸۹، ۱، ۱۳۱).

۲. عفت و پاکی: «آن حضرت در جامعه‌ای پا به عرصه وجود نهاد که بسیاری از ارزشها و اخلاقیات در آن کم رنگ شده بود و او در همان جامعه ملقب به صفت طاهره شد.» (مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱،

۹۱۳). و نیز مواردی از قبیل خرد ورزی، عدالت طلبی، مبارزه با ظلم و آشتی ناپذیری با زور و فریب و خشونت در همه عرصه‌ها، که بیان آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد و به گفته محققان او این خصلت‌ها را قبل از آشنایی با حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نیز داشت. (ر.ک: کرمی فریدنی، ۱۳۹۸، ۶۶). در اینکه او نخستین بانوی مسلمان است اتفاق نظر وجود دارد اما این بدین معنا نیست که پیش از ظهور اسلام مشرک یا کافر بوده است. بلکه کسانی چون عبدالمطلب، ابوطالب و خدیجه (علیهم السلام) قبل از ظهور اسلام به خدای یگانه ایمان داشته اند. (ر.ک: فرحزاد، ۱۳۹۹، ۲۰).

## زندگی اقتصادی حضرت خدیجه:

وقتی به زندگانی حضرت خدیجه نگاه می‌کنیم نکات بسیار ارزشمندی از وجود بزرگوار ایشان به دست می‌آوریم. از جمله آن نکات می‌توان به خدمات اقتصادی آن حضرت به جامعه مسلمین اشاره کرد. در زندگی اقتصادی آن حضرت سه جنبه اساسی دیده می‌شود:

### ۱. شخصیت اقتصادی آن حضرت:

«حضرت خدیجه میل زیادی به تجارتي که در مکه رایج بود داشت و فعالیت تجاری او در مکه انجام می‌شد، وی از راه تجارت ثروت زیادی پیدا کرد تا اینکه در رأس تجار مکه قرار گرفت به طوری که ثروت هیچ زنی در مکه به ثروت او نمی‌رسید.» (شریف قرشی، ۱۳۹۵، ۲۰).

از این بیان مشخص می‌شود که او شخصا به تجارت علاقه داشته است و علی‌رغم حفظ خصوصیات اخلاقی مورد ستایش، که او را طاهره می‌خواندند، تاجری موفق و سرآمد و اثرگذار در اقتصاد جامعه بوده است. بنابراین جدای از نظراتی که در مورد چگونگی به وجود آمدن ثروت او بیان گشته (همانند ارث بردن از شوهران قبلی، بر فرض صحت چنین چیزی) می‌توان گفت که علت اصلی ثروت کلان او در جامعه آن روز، شخصیت خود ایشان و عملکرد مثبت او به‌عنوان یک تاجر در شرایط آن روز بوده است. «یکی از ویژگی‌های حضرت خدیجه این بود که بر اثر تدبیر و سعی و کوشش در تجارت و امور اقتصادی از ثروتمندان بی‌نظیر عصر خود بود.» (مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲، ۱۰۳).

### ۲. مقدار ثروت آن حضرت:

در مورد مقدار ثروت آن حضرت بیانات متفاوتی آمده است:

«... هشتاد هزار شتر در کاروان‌های متعدد، اموال تجاری او را به مراکز اقتصادی جهان آن روز از یمن، مصر، شام، طائف، عراق، بحرین، عمان حبشه، فلسطین و... حمل و نقل می‌نمودند. تاریخ نویسان مظاهر ثروت خدیجه را در سه مورد ذیل خلاصه کرده اند:

- اموال تجاری او را به اطراف و اکناف جزیره العرب و خارج از آن از مصر و حبشه و روم و شام و ... حمل و نقل می‌کردند.



- بارگاهی از حریر با طناب‌های ابریشم بر بام خانه با شکوهش بر افراشته بود و در آن جا از رفت و آمد مردم از زن و مرد پذیرائی می‌شد ...

- چهار صد غلام و کنیز، امور زندگی او را رسیدگی و سرپرستی می‌کردند، و دستگاه عریض و طویل زندگی خدیجه را اداره می‌نمودند. ثروت ثروتمندان آن عصر مانند: ابوجهل، عقبه ابن ابی معیط، صلت ابن ابی یهاب، ابو سفیان و ... در مقایسه با ثروت خدیجه بسیار ناچیز بود. (همان، ۱۳۹۲، ۱۰۳-۱۰۴).

«حضرت خدیجه زنی زیبا و ثروتمند بود، او در کاروان‌های تجاری سرمایه گذاری می‌کرد و هر سال بیش از هزار سکه طلا سود می‌کرد.» (خدایان آرا نی، ۱۳۹۶، ۱۵۷). وقتی برخی محققان از صرف تمام ثروت آن حضرت در مسیر اسلام پس از ازدواج با پیامبر اکرم سخن می‌گویند، از مقدار آن ثروت، به (بیست میلیون دینار) تعبیر می‌کنند. (ر.ک: انصاریان، ۱۳۸۸، ۳۱).

### ۳. نقش اقتصادی آن حضرت در جامعه مسلمین:

می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی حضرت خدیجه، نقش مؤثر و مفید آن حضرت بر جامعه مسلمین به لحاظ اقتصادی بوده است و خدمات اقتصادی آن حضرت بر اسلام و پیشبرد اهداف اسلام بیش از سایر جنبه‌های زندگی او مورد توجه قرار گرفته است. وقتی به منابع متعدد مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که این خدمات، با بیانات مختلف و در حوزه‌های مختلف بیان گشته است. در این بخش از تحقیق برخی از این بیانات و حوزه‌های مختلف را بیان نموده و پس از آن به تحلیل و بررسی خواهیم پرداخت.

#### ۱. تأثیر اقتصاد حضرت در استحکام پایه‌های دین اسلام:

یکی از اثرات مهم ثروت حضرت خدیجه، استحکام پایه‌های دین اسلام توسط ثروت آن بزرگوار است. این ادعا به این معنا نیست که اگر ثروت آن بانو نبود اسلام شکل نمی‌گرفت و یا مفقود می‌شد، بلکه مراد این است که تأثیر بسزایی در پیشرفت اسلام به لحاظ مالی داشته است و ثروت و اموال او، یکی از وسایل مورد نیازی است که اسلام از آن برای رسیدن به اهداف خود بهره برده است. «اندیشمندان با بهره‌وری از روایات رسیده می‌نویسند برای آن بانوی فرزانه، این شرافت و شکوه بس که اسلام در برابر استبداد و تاریک اندیشی، جز در پرتو

منش پرجاذبه پیامبر و جهاد خالصانه امیر مؤمنان و ثروت و همت بلند خدیجه قامت بر نیفراشت.» (کریمی فریدنی، ۱۳۹۰، ۱۱۴).

این مطلب در برخی احادیث نیز بیان گشته است، همانند این گفتار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که فرموده اند: «... وَأَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ صَدَقْتَنِي حِينَ كَدَّبَنِي النَّاسُ وَوَزَّرْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَأَعَانَتَنِي عَلَيْهِ بِمَا لَهَا...». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۳، ۱۲۴).

آن حضرت به قدری در این جهت گام برداشت که حتی خدای متعال توسط فرشته وحی به او سلام و تحیت فرستاد. «حضرت خدیجه همه دارایی خود را صرف پیشرفت اسلام و اهداف مقدس همسر گرامیش رسول خدا کرد و در این جهت گوی سبقت را از همه بانوان جهان ربود، و بالاخره مهر تایید الهی بر عمل او خورد و به طوری مقرب درگاه خدا شد که پروردگار توسط جبرئیل به او سلام رساند. (تهرانی، ۱۳۹۳، ۱۹۶).

وقتی ثروت آن حضرت به منزله سنگ بنای ساختار اقتصادی امت اسلامی و شخص حضرت، یکی از بازوان نیرومند در کنار پیامبر اسلام محسوب می‌گردد (ر.ک: مدرسی، ۱۳۸۲، ۳، ۱۵)، در این صورت دور از انتظار نیست که مورد عنایت ویژه خدای متعال قرار گیرد.

## ۲. خدمت اقتصادی آن حضرت به پیامبر گرامی اسلام در قالب تجارت:

همان طور که گفته شد، حضرت خدیجه یکی از تاجران به نام و بی نظیر مکه محسوب می‌شد. در اوایل طلوع اسلام که پیامبر اکرم هنوز وضع مالی مناسبی نداشت و زندگی دشواری را سپری می‌کرد و از آن جا که حضرت خدیجه دنبال مرد امینی برای تجارت با اموالش می‌گشت، حضرت ابوطالب عموی پیامبر اکرم به او پیشنهاد دادند که به نزد خدیجه برود و با اموال او به تجارت بپردازد. حضرت خدیجه می‌دانست که پیامبر اکرم در میان مردم به لقب امین معروف است؛ به همین خاطر وقتی متوجه شد که ابوطالب به او پیشنهاد داده تا خود را برای تجارت به خدیجه معرفی کند، خودش فردی را به دنبال پیامبر فرستاد و گفت: چیزی که مرا شیفته تو کرده است همان راست گویی، امانت داری و اخلاق پسندیده توست و من حاضر دو برابر آنچه را که به دیگران می‌دادم به تو بدهم. پیامبر اکرم با اموال آن حضرت به سفر شام رفتند و با آنها به تجارت پرداختند و سود خوبی را حاصل کردند و این سفر تا حدی وضع مالی و اقتصادی رسول اکرم را تثبیت نمود. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۹، ۷۷-۸۰؛ و خدامیان آرانی، ۱۳۹۶، ۱۵۷).

## ۳. خانه خود را هنگام ازدواج، در اختیار پیامبر اکرم قرار دادند:

یکی از خدمات‌های دیگر حضرت خدیجه به پیامبر گرامی اسلام این بود که وقتی آن دو با هم ازدواج کردند، پیامبر اکرم از خود خانه‌ای نداشتند؛ حضرت خدیجه خود را کنیز و او را آقا خطاب می‌کردند و به آن حضرت

می گفتند: این جا خانه توست. از آن پس پیامبر اکرم در کنار حضرت خدیجه ماندند و زندگی پر خیر و برکت آن‌ها آغاز گردید. (ر.ک: خدامیان آرانی، ۱۳۹۶، ۱۵۷-۱۵۹).

#### ۴. صرف ثروت حضرت برای فقرا:

از دیگر خدمات ارزشمند حضرت خدیجه به جامعه مسلمین، صرف ثروت او در راه خدمت به تنگ دستان و فقرا بود. «از آن جا که در آغاز، نخستین کسانی که به دعوت پیامبر گرویدند، مردم مستمند و تهیدست بودند؛ رسول خدا با کمال سخاوت ثروت حضرت خدیجه را به مصرف زندگی تازه مسلمانان تنگدست می‌رساند». (مدرسی، ۱۳۸۲، ۳، ۱۵).

پس از آن که پیامبر اکرم با حضرت خدیجه ازدواج کردند، او تمام ثروت خویش را در اختیار پیامبر اکرم قرار دادند و پیامبر اکرم نیز تمام مستمندان را در آن ثروت شریک کرده بود. (ر.ک: صالحی کرمانی، ۱۳۷۴، ۱۶۶).

#### ۵. آزاد کردن بردگان:

پیامبر اکرم با ثروت حضرت خدیجه، مستقیماً و یا با واسطه کسان دیگری چون ابوبکر، بردگان را می‌خرید و آزادشان می‌کرد. توانگران قریش نیز می‌دانستند که ابوبکر با ثروت حضرت خدیجه و به دستور پیامبر اکرم به خرید بردگان می‌پردازد. (ر.ک: مدرسی، ۱۳۸۲، ۳، ۱۵؛ و کرمی فریدنی، ۱۳۹۶، ۵۵).

#### ۶. پرداخت بدهی بدهکاران:

در منابع متعددی، پرداخت بدهی بدهکاران از جمله خدمات حضرت شمرده شده است. (ر.ک: علی بخشی، ۱۳۹۱، ۶۳؛ و کرمی فریدنی، ۱۳۹۶، ۵۵).

#### ۷. صرف ثروت برای جذب مردم به اسلام از باب (مؤلفه قلوبهم).

درباره مؤلفه قلوبهم، می‌توان گفت آن‌ها کافرانی هستند که با مصرف زکات یا کمک‌های مالی به آنان، دل‌هایشان نرم و جذب اسلام می‌شود یا در دفاع از اسلام در جنگ با دشمن شرکت می‌کنند؛ یا مسلمانانی هستند که در اعتقاد خود به اسلام ضعیف و سست هستند و کمک مالی به آن‌ها باعث تقویت ایمان آنان می‌گردد. یکی از مصارف زکات در اسلام همین باب (مؤلفه قلوبهم) می‌باشد. دولت اسلامی نیز می‌تواند از محل زکات به دیگر ملت‌های جهان و به مسلمانان سست ایمان نیازمند، کمک مالی برساند و زمینه جذب و همراهی آنان به منظور

رسیدن به هدف‌های والای الهی را فراهم سازد. (ر.ک: موسوی، ۱۳۸۸، ۴۵). یکی از مواردی که اموال حضرت خدیجه، مصرف گردید، برای جذب برخی از کفار به اسلام (به‌عنوان مؤلفه قلوبهم) بود. (ر.ک: فرحزاد، ۱۳۹۹، ۱۲۱).

#### ۸. فراهم نمودن امکانات هجرت مهاجرین به مدینه:

در صدر اسلام، زمانی که مسلمانان تحت فشار کفار مکه بودند و مهاجرت به سمت مدینه آغاز شده بود، یکی از کارهایی که پیامبر اکرم انجام می‌دادند این بود که با دارایی حضرت خدیجه به یاران آزادی خواه اما تهی دست خود کمک می‌کردند و امکانات هجرت آنان از مکه به مدینه را فراهم می‌نمودند. (ر.ک: کرمی فریدنی، ۱۳۹۶، ۵۵).

#### ۹. صرف تمام ثروت در شعب ابی طالب:

یکی از ماجراهای دردناک که در سال هفتم هجرت رخ داد، محاصره شدید پیامبر اکرم و یاران او در شعب ابی طالب بود. آنان توسط قبیله قریش تحت محاصره شدید اقتصادی قرار گرفته بودند و در آن بیابان خشک و بی آب و علف، بدون هیچ گونه حمایتی، سختی‌ها، رنج‌ها و ناگواری‌ها را تحمل می‌کردند. این محاصره سه سال طول کشید و قریشیان از هر گونه کمک اقتصادی به آنان ممانعت می‌کردند. سختی این محاصره به جایی رسید که حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه برای حفظ پیامبر اکرم، آنچه دارایی و ثروت داشتند همه را به مصرف رساندند. (ر.ک: اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۸، ۲۴؛ و سبحانی، ۱۳۸۹، ۱۴۹-۱۵۲).

حضرت خدیجه تا آخرین بار شتر از اموال و دارایی خود را در شعب ابی طالب خرج می‌کند و خودش نیز در کنار پیامبر اکرم سختی و گرسنگی را تحمل می‌کند و سهم خود از غذا و جیره را به دیگران می‌دهد. (ر.ک: خدامیان آرانی، ۱۳۹۲، ۱۰۴).

#### ۱۰. بخشیدن تمام ثروت خود به پیامبر اکرم:

یکی کارهای بسیار ارزشمند حضرت خدیجه (سلام الله علیها) این بود که وقتی با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ازدواج کرد، تمام ثروتش را یک جا در اختیار پیامبر اکرم قرار داد تا او هر طور که صلاح می‌داند آن‌ها را مصرف نماید. (ر.ک: صالحی کرمانی، ۱۳۷۴، ۱۶۶؛ و اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۸، ۲۳).

## تحلیل مطالب:

در این بخش از مقاله به تحلیل و بررسی اجمالی مطالب قبل می‌پردازیم. هر چند که مطالب بیان شده گویای نقش موثر حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بود اما برای روشن شدن بیشتر مطالب در نگاه خواننده گرامی، به بیان نکاتی چند، در این مجال می‌پردازیم.

۱. در بخش گذشته، در اولین مورد از حوزه‌ها و بیانات محققان گرامی، نقش حضرت خدیجه در استحکام پایه‌های اسلام آورده شد. شاید در نظر خواننده گرامی این اشکال پیش آید که تمام موارد ذکر شده در بخش قبل به نوعی استحکام پایه‌های اسلام محسوب می‌شد و دیگر نیازی به آوردن مورد اول نبود. یا می‌توانستیم تمام موارد ذکر شده را در قالب خدمات آن حضرت جهت استحکام پایه‌های اسلام بیان کنیم و نیازی به آوردن این موارد در بخش‌های جداگانه نبود. در این مورد می‌توان گفت:

گاه پیش می‌آید که خدمتی ارزشمند توسط شخصی در یکی از حوزه‌های اجتماعی رخ می‌دهد اما چنین خدمتی آنگونه مقام پیدا نمی‌کند که جزء عوامل استحکام دین قرار گیرد. با دقت در مطالب یاد شده می‌توان فهمید که مقصود حضرت خدیجه از خدمت دهی در هر حوزه، کمک و خدمت به دین اسلام بود اما اگر مورد اول به طور جداگانه ذکر نمی‌شد ممکن بود این اشکال پدید آید که حضرت خدیجه نیز خدماتی در اجتماع داشته است همانند سایر مردم؛ در حالی که منابع دینی ما، خدمات حضرت خدیجه به دین اسلام را ممتاز و بی‌نظیر معرفی می‌کند. با این بیان اصل کمک ایشان به اعتلای نفس اسلام و استحکام پایه‌های اسلام، موضوعیت پیدا می‌کند و سزاوار بود در بیانی جداگانه به آن پرداخته شود. این مطلب را می‌توان از برخی تعبیر در مورد آن حضرت برداشت کرد. همانند این که خدمات مالی او در کنار خدمات پیامبر اکرم و امام علی (علیهم‌السلام) قرار گرفته و شرافت و شکوه اسلام به این سه نفر منحصر گردیده است. (ر.ک: کرمی فریدنی، ۱۳۹۰، ۱۱۴). و یا این که خدای متعال توسط جبرئیل به ایشان سلام و تحیت می‌فرستند. (ر.ک: تهرانی، ۱۳۹۳، ۱۹۶). سلام و تحیت مخصوص خدای متعال به آن حضرت و با این روش (که تنها شامل حال پیامبران و اولیاء الهی می‌شود) نمی‌تواند فقط به خاطر چند کار خدماتی عادی در سطح اجتماع باشد. هر چند که ارزش این نوع از اعمال نیز در نزد خدای متعال محفوظ است.

۲. نکته دیگری که لازم است بیان گردد در مورد (مؤلفه قلوبهم) می‌باشد. برخی از محققان می‌گویند در شرایطی که مسلمین و پیغمبر اکرم در نهایت درجه سختی و تحت فشار بودند، جناب خدیجه مال و ثروت خود را در اختیار پیامبر اکرم گذاشت نه برای اینکه پیغمبر اکرم العیاذ بالله به کسی رشوه بدهد و بگوید بیا و مسلمان شو!

بلکه خدمت به این معنا بود که مال حضرت خدیجه مسلمانان گرسنه را نجات داد نه خدمت به عنوان رشوه دادن. (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۶، ۹۰). این مطلب هر چند از این جهت درست است که رشوه در اسلام نفی شده و پیامبر اکرم و حضرت خدیجه نیز هرگز چنین کاری نمی‌کردند، اما نباید صرف اموال حضرت خدیجه در جهت تألیف قلوب مشرکان یا برخی مسلمانان سست مذهب با رشوه دادن اشتباه گرفته شود. در دین اسلام پرداخت مال به مشرکان یا برخی مسلمانان به دلایلی که گذشت وجود دارد اما از باب (مؤلفه قلوبهم) و نه از باب رشوه. در رشوه کسی مالی یا چیزی را پرداخت می‌کند تا طرف مقابل حکم دلخواه رشوه دهنده را (حق یا باطل و یا طبق نظر برخی فقط در حکم باطل) انشاء و اجرا کند. (ر.ک: شفیعی مازندرانی، ۱۳۸۸، ۱۱۱). چنین چیزی توسط خود اسلام نفی شده است اما مؤلفه قلوبهم توسط خود اسلام تایید شده است. در مؤلفه قلوبهم مال به مسلمان سست عقیده داده می‌شود اما از باب کمک به یک مسلمان و یک نیازمند. یا در صورتی که به کافران مالی داده می‌شود تا در جنگ شرکت نمایند، این نوعی قرارداد بین مسلمانان و آن‌ها محسوب می‌شود که در قبال آن، از مسلمانان دفاع نمایند. و یا هنگامی که به کافران داده می‌شود تا دل‌هایشان نرم و به سمت اسلام منعطف گردد از باب این است که کمکی بشود و نظر آنان نسبت به اسلام تغییر کند و به این معنا نیست که حتماً باید مسلمان گردند. در هر صورت گفته برخی محققان که (پیامبر به کسی پول نمی‌داد که او بیاید و مسلمان شود) به صورت کلی درست نمی‌باشد و باید در آن تامل کرد و نباید (مؤلفه قلوبهم) در این مورد نادیده گرفته شود.

۳. در تعریف اقتصاد گذشت که اقتصاد، روش‌هایی برای تولید کالا و توزیع آن جهت مصرف می‌باشد و گفتیم که تجارت، یکی از روش‌های توزیع کالا برای مصرف کننده است. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به عنوان یک بانوی تاجر از طرفی توزیع کالا به روش تجارت را در جامعه عمومی انجام می‌داد و از طرفی توزیع کالا در جامعه مسلمین، هم به روش تجارت و هم به روش‌های ده گانه مذکور در بخش قبل، را بر عهده گرفته بودند. از این رو نقش اقتصادی حضرت خدیجه را می‌توان به چند روش زیر در نظر گرفت:

الف. نقش اقتصادی ایشان به عنوان بانوی تاجر و توزیع کالا (در قالب تجارت) در جامعه و تأثیر اقتصادی ایشان در عموم جامعه و جوامع دیگر. مثل عراق، حبشه و... که قبلاً بیان کردیم این بخش از خدمات حضرت خدیجه باید در مجال و مقاله دیگری بحث گردد.

ب. نقش اقتصادی حضرت در جامعه مسلمین که محل بحث ماست و این نقش، طبق مباحثی که تا به این جا صورت گرفت به دو صورت انجام یافته است:



۱. تأثیر اقتصادی آن بانو در جامعه مسلمین و توزیع کالا در جوامع دیگر (در قالب تجارت) توسط پیامبر اکرم. قبلاً ذکر شد که پیامبر اکرم در مقطعی با اموال حضرت خدیجه به تجارت پرداختند و همین کار باعث تثبیت اوضاع مالی پیامبر اکرم گردید. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۹، ۷۷-۸۸).

۲. تأثیر اقتصادی آن بانو در جامعه مسلمین و توزیع کالا در میان آنان در قالب‌های مختلفی مثل بخشش تمام اموال به پیامبر اکرم، کمک به مستمندان و ... که بیان گردید.

۳. این نکته را بیان کردیم که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پس ازدواج با پیامبر اکرم تمامی اموال خود را به پیامبر اکرم بخشیدند و پیامبر اکرم نیز اموال او را در قالب‌های مختلفی مصرف می‌کردند و به دست مسلمین می‌رساندند. و همان طور که بیان گردید معمولاً آزادی بردگان یا کمک به مستمندان یا مهاجران و ... توسط پیامبر اکرم صورت گرفته است؛ اما این بدان معنا نیست که بگوییم تنها کاری که حضرت خدیجه انجام داده است بخشش اموال به پیامبر اکرم بوده و تمامی خدمات مذکور منسوب به ایشان نمی‌شود. زیرا تا زمانی که بخشش اموال توسط ایشان صورت نمی‌گرفت قطعاً باقی خدمات نیز در عمل محقق نمی‌شد. بنابراین در یک جمله می‌توان گفت: حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در هر جهتی که رشد و اعتلای اسلام به حمایت مالی نیاز داشت، آن حضرت دریغ نمی‌کردند و با تمام وجود نقش خود را به لحاظ مالی ایفا می‌کردند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به ارائه مطالبی که در این تحقیق بیان گردید و بحثی که درباره شخصیت اقتصادی حضرت خدیجه صورت گرفت، و همچنین تحلیلی که درباره مطالب ارائه شده بیان شد، این مطلب به دست آمد که نقش اقتصادی حضرت خدیجه در جامعه مسلمین گاه در قالب تجارت توسط پیامبر اکرم و گاه در قالب خدمات مختلفی در جهت رشد مالی مسلمین صورت گرفته است. در پایان از مجموع مطالب و تحلیل‌های صورت گرفته این نتیجه به دست می‌آید که حضرت خدیجه به‌عنوان رکن اساسی بخش اقتصادی دین اسلام ظاهر گشته و نقشی که توسط ایشان در جامعه مسلمین صورت گرفته، علیت این بانو در پیشرفت دین اسلام از جنبه مالی است.

## منابع

## • قرآن کریم.

۱. اسماعیلی یزدی، عباس، (۱۳۸۸)، مام فضیلت‌ها: زندگانی فضایل حضرت فاطمه (س)، قم: مسجد مقدس جمکران.
۲. آخوندی، محمد، (۱۳۸۵)، نمونه زن‌ها، تهران: جوان امروز.
۳. انصاریان، حسین، (۱۳۸۸)، نگاهی به مقام حضرت خدیجه (س)، قم: دار العرفان.
۴. بحرانی، کمال الدین ابن میثم، (۱۳۷۵)، شرح نهج البلاغه ابن میثم؛ عارف، محمدصادق، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. پور سعید آقایی، مسعود، (۱۳۸۱)، چشمه در بستر (تحلیلی از زمان‌شناسی حضرت زهرا)، قم: حضور.
۶. پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، (۱۳۷۶)، اخلاق اقتصادی، تهران: اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۷. تهرانی، حسین، (۱۳۹۳)، خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری (س)، قم: طوبای محبت.
۸. جوان، عبدالله، (۱۳۸۳)، نظم اجتماعی در جامعه، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۹. حکیم، محمد باقر، (۱۳۸۷)، جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم؛ دانش، موسی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۰. حسینی، مظاهر، (۱۳۸۶)، پیامبر اعظم تندیس ارزش‌ها (گزیده سیره نبوی استاد مطهری)، قم: معارف.
۱۱. خدامیان آرانی، مهدی، (۱۳۹۶)، تفسیر باران، قم: بهار دل‌ها.
۱۲. خدامیان آرانی، مهدی، (۱۳۹۲)، بانوی چشمه؛ زندگی خدیجه (همسر پیامبر اسلام)، قم: وثوق.
۱۳. درفشی، مینا، (۱۳۸۸)، مأخذشناسی توصیفی زندگی حضرت خدیجه (س)، قم: هاجر.
۱۴. ذاکری، علی اکبر، (۱۳۹۱)، نشریه حوزه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

۱۵. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۹)، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، تهران: مشعر.
۱۶. شفیعی مازندرانی، محمد، (۱۳۸۸)، اقتصاد خانواده (اخلاق معیشتی در قرآن و سنت)، قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۷. شریف قرشی، باقر، (۱۳۹۵)، ام المؤمنین حضرت خدیجه؛ صالحی، سیدمحمد، قم: دار التهدیب.
۱۸. صالحی کرمانی، محمد رضا، (۱۳۷۴)، زندگانی چهارده معصوم(ع)، قم: انصاریان.
۱۹. صداقت، قاسمعلی، (۱۳۸۶)، نشریه معرفت، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره).
۲۰. طاهر زاده، اصغر، (۱۳۹۲)، زن آنگونه که باید باشد (زن - خانواده - بحران)، اصفهان: لب میزان.
۲۱. علی بخشی، عبدالله، (۱۳۹۱)، خدیجه(س) برترین همسر پیامبر(ص)، قم: زائر.
۲۲. عطایی اصفهانی، علی، (۱۳۹۴)، بهترین انسان بعد از پیامبر اکرم به ضمیمه مناظرات و توسل، قم: آیین دانش.
۲۳. فرحزاد، حبیب الله، (۱۳۹۹)، خدیجه(س) بانوی بزرگ اسلام، قم: طوبای محبت.
۲۴. قرائتی، محسن، (۱۳۸۷)، حج (با تجدید نظر)، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۵. مدرسی، سیدمحمدتقی، (۱۳۸۲)، هدایتگران راه نور (زندگانی صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا(س)، شریعت، محمدصادق، تهران: محبان الحسین.
۲۶. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، (۱۳۹۲)، دانشنامه حضرت خدیجه(س)، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
۲۷. مؤسسه فرهنگی هنری جام طهور، (۱۳۹۵)، دائره المعارف طهور (فرهنگ و علوم انسانی)، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
۲۸. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، (۱۳۹۱)، مدیریت اسلامی، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.

۲۹. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، (۱۳۹۷)، فهرست کتابخانه تخصصی آیت الله بروجردی (نسخ خطی)، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.

۳۰. مهدوی دامغانی، علی، (۱۳۹۴)، نسیم جمعه (تفسیر سوره جمعه)، تهران: دلیل ما.

۳۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الاطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۳۲. موسوی، فاضل، (۱۳۸۸)، زکات در اسلام (راهکارهای ترویج فرهنگ زکات)، قم: دفتر عقل.

۳۳. ویسی، فیض الله، (۱۳۹۸)، این گونه بود خدیجه الغراء ام المؤمنین (س)، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.